

حسی ششم → **احمد طالبی‌نژاد**

جنگ زرگری

هری پاتر را دوست ندارم. ارباب حلقه‌ها و آواتار و دیگر فیلم‌های تکنولوژیک را هم همین‌طور. دلیل خاصی هم ندارد. نسل ما متأسفانه یا خوشبختانه، در دورانی سینما را کشف کرد که سینما هنوز «هنر» بود. یعنی آنچه بر پرده می‌رفت، حاصل خلاقیت هنری بود، نه فعل و انفعالات تکنولوژیک. نه اینکه در آن آثار تخیل به کار نمی‌رفت، نه اینکه ترنفدهای تصویری نداشت، اتفاقاً داشت و خوش را هم داشت. (۲۰۰۱: یک ادیسه فضایی) (راز کپهان) استثنای کوبریک را به یاد آورید که پر از شعبده‌های تصویری بود. اما همه‌اش ناشی از خلاقیت هنری. مثلاً برای ایجاد افه‌های تصویری، هنگامی که سفینه در کپکشان گم می‌شود، هزاران چراغ در دو سوی یک پاند فرودگاه قرار داده می‌شود، دوربینی هم روی یک اتوبیل مخصوص و تندرو قرار گرفته، به سرعت در آن فضای پر نور حرکت داده شده و به این ترتیب، یکی از زیباترین و اعجاب‌برانگیزترین نماهای علمی- تخیلی شکل گرفته.

اما از شما چه پنهان، من بیش از هر فیلم تخیلی و افسانه‌ای از هری پاترها لجم می‌گیرد. به ویژه از خالق اصلی‌اش یعنی خانم رولینگ میلیاردر معروف که هم با خلق داستانی باورنکردنی به این همه مال و منال رسیده و هم برای امپراتوری بریتانیا، هویت افسانه‌ای تراشیده است. آن وقت یاد افسانه‌ها و حکایت‌های تخیلی خودمان می‌افتم که سوت و کور در لایه‌لای کتاب‌ها، در حال فراموشی‌اند. آیا «امیرارسلان نامدار» را خوانده‌اید؟ حتماً. پس لطفاً آن را با همین هری پاتر مقایسه کنید. ببینید از نظر موضوع، فرم و تکنیک، چقدر به هم شباهت دارند. دنیای جادوگران، حضور پررنگ تقدیر و عناصر دیگری از این دست، در امیرارسلان و افسانه‌های دیگری از جمله «سمک عیار»، جزء اصلی‌ترین عناصرند و همین‌ها را در «هری پاتر» و «ارباب حلقه‌ها» هم می‌بینیم. اشتباه نشود، نگارنده مخالف خلق فیلم‌هایی از این دست نیست یعنی سینمای آینده چاره‌ای ندارد جز اینکه پوست بیندازد و تبدیل به «چیز» دیگری شود. آن «چیز» را ممکن است ما‌ها دوست نداشته باشیم اما همچون افسانه‌ها، این بار واقعیت هم اسیر تقدیر و سرنوشت شده. سرنوشت آینده سینما این است که کم‌کم از «آدم‌ها» دور شده، به موجودات خیالی نزدیک شود؛ اتفاقی که دارد می‌افتد. هیول‌ها، موجودات فضایی، آدم‌های نیمه‌الکترونیک و فرم‌مانی از این قبیل فعلاً دور را از آدم‌های واقعی گرفته‌اند. به ما چه که ما زنده نیستیم تا سطره کامل این موجودات بر سینما را ببینیم. نسل‌های آینده هم خود دانند اما این نکته به لحاظ جامعه‌شناسی و روانشناسی کاملاً قابل بررسی است که چرا انسان امروز تا این حد خود را نیازمند به افسانه‌پردازی می‌بیند؟ به هر حال فروش حیرت‌انگیز کتاب‌های هری پاتر و فیلم‌هایش بیانگر نیازی است که در جوامع به ویژه جوامع صنعتی وجود دارد. بیشترین رقم فروش این محصول در کشورهای اروپایی و آمریکا و ژاپن بوده است. صف‌های طولانی مقابل کتابفروشی‌ها، چند روز پیش از انتشار یا مقابل سینماها چند روز پس از آغاز نمایش، از نوعی اشتهای کاذب سرچشمه می‌گیرد. البته فضاسازی رسانه‌ای و هزینه‌های تبلیغاتی کلان هم در برانگیختن حس کنجکاوی مردم بی‌تاثیر نیست. به ویژه مسلسل بودن داستان‌ها هم در کتاب، هم در فیلم از عواملی هستند که به این اشتیاق دامن می‌زنند ولی عوامل دیگری هم قطعاً وجود دارند که از مناسبات حاکم بر جوامع صنعتی نشات می‌گیرند. مثلاً حضور واقعیت محض در زندگی مردم که از مناسبات مادی ناشی می‌شود. غربی‌ها به ویژه اروپایی‌ها، آنقدر در واقعیت‌ها غرق شده‌اند که نیاز به تنفس در فضایی دیگر را دارند و رشد قارچ‌گونه افسانه‌هایی از قبیل هری پاتر و ارباب حلقه‌ها، مغزی است برای غرق شدن در رویا و تخیل. این تمایل توسط رسانه‌ها دامن زده و تبدیل به نیاز شده است. موفقیت حیرت‌انگیز آثاری از این دست، بدون تردید، صنعت سینما را به مسیری دیگر خواهد کشاند. هیچ فکر کرده‌اید چرا در سال‌های اخیر تعداد فیلم‌های علمی – تخیلی، در قیاس با فیلم‌های یکسره تخیلی، کمتر شده؟ علم‌گریزی دارد به یک اپیدمی تبدیل می‌شود. ژول ورن 'ا و استاسیلا' کجا و خانم رولینگ کجا؟

- ۱- خالق رمان‌های علمی- تخیلی بیست هزار فرسنگ زیر دریا...
- ۲- خالق رمان سولاریس ...

→ **پنج‌ره هجلی**

درباره «هری پاتر» جدید

حس لذت‌بخش کودکی

«هری‌پاتر و سنگ جادو» را که دیدم با خودم گفتم اگر کسی کتاب را نخوانده باشد که از این فیلم سدرنمی‌آورد اما وضعیت فیلم‌های بعدی بهتر شد، انگار سازندگان تجربه بیشتری پیدا کرده بودند. فیلم ششم واقعاً برایم جذاب بود و با قصه بسیار همخوانی داشت. الان هم دوست دارم زودتر هری‌پاتر۷ را ببینم. انتخاب بازیگران از آنچه نویسنده از شخصیت‌های داستان در ذهن مخاطب ساخته بسیار منطقی باشد. به هر صورت من فکر می‌کنم «هری‌پاتر» قصه جالبی است و نویسنده در نوع استفاده از عواملی که قبلاً هم در قصه‌های فیلم‌ها وجود داشته، ابتکار و خلاقیت جالبی به خرج داد. او عوامل جادو و اسطوره‌ها را مثل آنچه قبلاً شناخته بودیم روایت نکرده و نوآوری او در نگارش انبوه مخاطبان را در صف خرید کتاب یا صف سینماها نگه می‌دارد. روایت رولینگ از جنگ خیر و شر در داستان فانتزی «هری‌پاتر» از دیگر عوامل جذابیت «هری‌پاتر» است. من زمانی که «هری‌پاتر» را ترجمه کردم با مخاطبان ارتباط تنگاتنگی داشتم. زن و مرد، پیر و جوان این کتاب را می‌خواندند. ما می‌گفتم مخاطبان این قصه از ۹ تا ۹۰ ساله هستند. بعدها فهمیدم رولینگ روی بخش نوجوان وجود ما آدم‌ها دست گذاشته است؛ بخشی که همه آدم‌ها ذره‌ای از آن را در وجودشان دارند. شنیدم قسمت هفتم «هری‌پاتر» هم با استقبال گسترده روبه‌رو شده و مخاطبان برای دیدن این فیلم صف کشیده‌اند، به هر حال موفقیت فیلم هم به خاطر موفقیت قصه اصلی است چون هر چقدر هم کتاب خلاصه شود به هر حال فیلم از خط اصلی قصه برداشت شده، فیلم هم بخش نوجوانی وجود آدم‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، برای همین آنها که کودک‌ی بیشتری دارند با دیدن این فیلم‌ها در لذت و شادی غرق می‌شوند. به هر صورت من فکر می‌کنم با اینکه سینما امکانات بیشتری مثل تصویر، صدا، جلوه‌های ویژه... و دارد اما کتاب چیز دیگری است. قدرت تجسم داستان و پر و بال دادن به شخصیت‌ها یک لذت واقعی است.

اما خیلی‌ها هم که حوصله کتاب خواندن ندارند ترجیح می‌دهند به جای اینکه دو سه روز وقت صرف خواندن کتاب کنند دو سه ساعت وقت بگذرانند و فیلم را ببینند و خلاصه بشد به تماشا کنند اما من همچنان کتاب را ترجیح می‌دهم.

→ **کاف‌های فیلم**

در نمایی که که هری پاتر و هاگ‌رید، از تونل دار نفور عبور می‌کنند، پشت سر آنها، از بخش شمالی تونل آنوبوسی دیده می‌شود.

پس از از بین بردن لاکت هور کروکس، روی به هری می‌گوید: «سه هور کروکس دیگر باقی مانده تا آنها را از بین ببریم.» اما در داستان‌های هری پاتر در مجموع هفت هور کروکس وجود دارد. در قسمت‌های قبلی دو هور کروکس از بین رفته است. پس با از بین رفتن لاکت چهار هور کروکس دیگر باقی می‌ماند.

در سکانس‌های هری در حوض یخ‌زده‌ای دیده می‌شود اما امواجی که در درون حوض باعث می‌شوند اجسامی تکان بخورند، نشان می‌دهد درون حوض یخ‌زده نیست.

هنگامی که هری پاتر با لاکت در حال مبارزه است، به نظر می‌رسد این دو با زنجیر به یکدیگر متصل هستند اما در نمایی دیگر می‌بینیم این دو جدا از هم هستند.

در صحنه گورستان در گودریج، در نمایی می‌بینیم زمین یخ زده و برف می‌بارد. با این وجود وقتی شخصیت‌ها صحبت می‌کنند یا نفس می‌کشند برخلاف معمول، از دهان آنها بخاری بلند نمی‌شود.

در سکانس دیگر مادر رون بیرون از خانه منتظر فرزندش است اما وقتی رون به خانه می‌رسد ناگهان مادر در درون خانه دیده می‌شود.

در خارج از خانه لاوگود، میوه‌هایی می‌بینیم که برچسب آلو بر رویشان خورده است. اما این میوه‌ها آلو نیستند بلکه هلو هستند که شبیه آلو است.

در سکانسی ولدمورت جادوگر را می‌بینیم که در قامت یک مار بر ویرانه‌های خانه هری پاتر است و پدر و مادر هری را کشته است. این در حالی است که شرح این اتفاق که در ۱۶ سال پیش رخ داده است، در کتاب ۴ (جام آتش) آمده و در آنجا ولدمورت به شکل انسان است نه مار.

۱۰ سینمای جهان

→ **فیلم‌ها**

بالاخره انتظار مشتاقان هری پاتر به پایان رسید و هفتمین فیلم از مجموعه فیلم‌های هری پاتر با عنوان «هری پاتر و یادگاران مرگ» (از دو هفته پیش) اکران شد. به این ترتیب ماجراجی که ۱۰ هه سال پیش ذهن مخاطبانش را درگیر کرده بود و ۱۷ سال پیش در قطار به ذهن نویسنده‌اش الهام شده بود، کامل شد. شخصیت هری پاتر آخرین پدیده حال حاضر ادبیات و سینمای جهان است. چرا پدیده و نه ستاره و نه شاهکار؟ چون ظهور هر پدیده‌ای مبتنی بر شرایطی است که منجر به پدیدار شدن

گفت‌وگو با دیوید یاتس کارگردان «هری پاتر و یادگاران مرگ»

می‌خواستم کارگردانی این فیلم را ترک کنم

سال پنجم ■ شماره ۱۱۲۸ ■ یکشنبه ۱۴ آذر ۱۳۸۹

→ **فیلم‌ها**

پدیده آن پدیده می‌شود. در واقع با توجه به مهیا بودن سلسله شرایط و عوامل حاکم بر هر عصری است که پدیده، پدیده می‌شود و بدون مطالعه شرایط خاصی موجود نمی‌توان چگونگی ظهور یک پدیده را درک کرد. هری پاتر پدیده است چون جی‌کی رولینگ نویسنده هفت‌گانه پاتر از راه فروش کتاب‌هایش نه ستاره و نه شاهکار؟ چون ظهور هر پدیده‌ای مبتنی بر شرایطی است که منجر به پدیدار شدن

گفت‌وگو با دیوید یاتس کارگردان «هری پاتر و یادگاران مرگ»

می‌خواستم کارگردانی این فیلم را ترک کنم

پیشین و ششم هری پاتر آغاز شد که این زمان، زمان بسیار اندکی است. درواقع تنها یک دلگرمی وجود داشت و آن این بود که من می‌دانستم، مردم جهان می‌دانستند، با بازیگرانی قرار است کار کنم که در آنها یک احساس خودجوش برای پرواز و پیشرفت هست. ما زمان کافی برای پیش‌تولید یا چگونگی پیش‌تولید نداشتیم. اما من مردم جهان و همکارانم را می‌شناختم و توانستم در این راه به صورت پویا به آرامی کار کنیم و این روندی بسیار جالب و مفید بود.

– **ترانه «جی‌ها» در این فیلم مورد استقبال قرار گرفته. قدری هم در مورد این ترانه که کاری از نیک کیو است، صحبت کن.**

بله، من به یک موسیقی مالیکولیایی احتیاج داشتم. به یک ترانه‌ای که هم باید با آن بخش مورد نظر از فیلم هماهنگ می‌بود و هم باید بیننده را متعجب و به قولی سورپرایز می‌کرد. پیدا کردن چنین آهنگی بسیار سخت است. از گذشته کسی را به نام مت بیفا می‌شناختم. مت عاشق موسیقی است. او را مسؤول پیدا کردن چنین آهنگی کردم. او برای من چندین قطعه موسیقی از هر سبکی فرستاد. به صدها آهنگ گوش دادم. تا روزی که تقریباً ناامید شده بودم. با خودم می‌گفتم آهنگی که من در سر دارم و احساسش می‌کنم، وجود ندارد و ساخته نشده. تا روزی که بالاخره به آهنگ نیک کیو رسیدیم و گفتم: «این خودش است.» بیشترین ترس من از این‌ بود که آن را برای دان (دانیل رادکلیف و بازیگر نقش هری پاتر) و اما (اما واتسون بازیگر نقش هرمیون گرانگر) بپخش کنم. می‌گفتم: «خدای من، آنها این را متوجه می‌شوند. نسبت به این آهنگ همان احساسی را دارند که من دارم؟» این موضوع برای من خیلی مهم بود که آنها این موسیقی را همان‌گونه درک کنند که احساسش می‌کنند. سرانجام این آهنگ را برای آنها بپخش کردم و باید اعتراف کنم آن لحظه یکی از پراسرترس‌ترین لحظات زندگی حرفه‌ای‌ام بود. می‌گفتم: «خدایا یعنی آنها از این آهنگ خوش‌شان می‌آید» و البته خوشبختانه این‌گونه بود.

– **در این فیلم، شما در بخش‌هایی از انیمیشن استفاده کرده‌اید که البته از بهترین لحظات فیلم، همین قسمت‌هاست. چه چیز شما را بر آن داشت تا از سبک‌های مختلف فیلمسازی استفاده کنید و چه حسی باعث شد که بعضی از قسمت‌های فیلم را به گونه دیگری کارگردانی کنید؟**

همه چیز با استوارت گریگ طراح صحنه بسیار خوب ما آغاز شد. حین فیلمبرداری به اجرای همه

شرایطی بر انسان امروز و جهان امروز حاکم است که شخصیت یک جادوگر نه‌تنها دل‌های کوچک نوجوانان مخاطبش را، بلکه اذهان بزرگسالان را نیز تسخیر کرده است؟ آیا این موضوع را نیز باید از آثار جادوی جادوگر جوان دانست یا اینکه افسون دیگری در کار است؟ در این تک‌صفحه سینمای جهان سعی کرده‌ایم هم از جدیدترین اقتباس سینمایی هری پاتر سخن بگوییم و هم درباره پدیده‌ای به نام هری پاتر.

• **در اکران فیلم هری پاتر و یادگاران مرگ در لندن، با دیوید یاتس کارگردان این فیلم مصاحبه‌ای انجام دادیم. جای شگفتی دارد کسی که سه قسمت از مجموعه فیلم‌های هری پاتر را کارگردانی کرده، چنین انرژی دارد و جالب‌تر اینکه پس از مراسم افتتاح نمایش فیلمش، بلافاصله به درخواست گفت‌وگوی ما پاسخ مثبت می‌دهد.**



→ **کلام مطبق لکاکها**

اخلاقی مرتبه پنجم را در رفتار خود متجلی کرده است. به این معنا که همواره نسبت به قوانین و مقررات جامعه رویکردی مثبت دارد و نقض این مقررات را برنمی‌تابد و خود هری پاتر نیز در رفتار و برخوردهای خویش عناصر ده‌گانه اتورانت در «اسطوره قهرمان» را تبلور می‌بخشد. بعضی دیگر از منتقدان بر این باورند که در این مجموعه داستان‌های کودکانه به رویکرد جامعه دموکراتیک به مسائلی چون نخبه‌گرایی، تمام‌خواهی، نژادپرستی و قوم‌محوری پرداخته شده است. گیزل آناتول استاد دانشگاه کانزاس نیز توجیه خود را به فرهنگ مصرفی دوران واپسین سرمایه‌داری در انگلستان را در قالب جامعه‌ای جادویی مورد تبیین قرار داده و مدعی است که این داستان‌ها، به وجهی فلسفه اقتصادی پستاجریسم را به وضوح بازتاب می‌دهد. در جامعه جادویی هری پاتر، نهادهای جامعه اروپا به نحو تمثیلی، تصویر شده و حتی حقوق بشر و نقض آن نیز مورد توجه قرار گرفته است. رولینگ صریحاً نقض حقوق بشر از ناحیه جان میجر و کارگزاران او به بهانه بر خورد و مبارزه با تروریسم را در این داستان‌ها به نقد کشیده است. بعضی از طرفداران نظریه روانکاوی ژاک لاکان هم این مجموعه را از منطری نوفرویدگرانه مورد تحلیل قرار داده‌اند و مدعی‌اند چهره‌های این مجموعه هریک مرحله‌ای از رشد سه‌محوری لاکان را در حرکات و واکنش‌های خویش تجلی می‌بخشند.

نویسنده «تسلای فلسفه» و اراسموس اندیشمند رنسانس و اسپینوزا و کانت و در جهان معاصر اندیشمند، ارسطوشناس مارتا نویسمای استاد دانشگاه شیکاگو را تحت تاثیر قرار داده است. بعضی بر این باورند که کتاب‌های هری پاتر، ظهور حکمت عملی و اخلاق پایدار و نیز تاکید بر تلاش و کوشش در زندگی روزمره است و به خصوص شرایط نامناسب و غیرقابل پیش‌بینی است. آنچه این اثر به خواننده می‌آموزد پایداری، رواداری، ثبات قدم، آزادمنشی و دموکراسی‌خواهی به مواجهه با سختی‌هاست. بعضی از منتقدان معاصر، چون ویلیام سافانر مدعی‌اند که در آینده نزدیک مرامون دست و پا در این داستان‌ها هرمیون دست و پا می‌زنند و نوشته‌های متعددی در نقد و تبیین این اثر

